



تبیین اصل برائت کیفری در دادرسی عادلانه در تطبیق با رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق

حسین صنوبر

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران، تهران، ایران.

hossein.senobar.99@gmail.com

چکیده

1 اصل برائت کیفری به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوقی، در نظام‌های قضایی مختلف جهان جهت رعایت دادرسی عادلانه جایگاه ویژه‌ای دارد. این اصل به معنای بی‌گناه بودن هر فرد تا زمان اثبات جرم او در دادگاه صالح و با رعایت تمامی ضمانت‌های قانونی است و تا زمانی که جرم فردی به طور قانونی ثابت نشود، باید او را بی‌گناه فرض کرد. در این مقاله به بررسی مفهوم، اهمیت، مبانی و محدودیت‌های اصل برائت کیفری پرداخته شده است و جنبه‌های مختلف رعایت این اصل شامل بار اثبات اتهام، کیفیت اثبات جرم و رفتار مقامات مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین جایگاه این اصل در حقوق ایران و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد تحلیل قرار گرفته و ادله اثباتی آن در شرع مقدس ارائه شده است. اصل برائت کیفری نه تنها از منظر حقوقی بلکه از رویکرد اقتصادی نیز قابل تحلیل است و این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته و شیوه گردآوری اطلاعات در آن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است، با ترکیب دیدگاه‌های حقوقی و اقتصادی، به بررسی جامع اصل برائت کیفری پرداخته است. تحلیل اقتصادی حقوق با بررسی تابع سود و زیان مربوط به اجرای این اصل، به ارزیابی کارایی و اثربخشی آن می‌پردازد و تلاش می‌کند تا به این سوال پاسخ دهد که آیا اجرای کامل این اصل از نظر رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق توجیه‌پذیر است و به دنبال تقویت این اصل بنیادین حقوقی و افزایش کارایی سیستم قضایی است. با وجود اهمیت اصل برائت کیفری در دادرسی عادلانه، به موجب اقتضائات عدالت حقوقی و مصالح عمومی محدودیت‌هایی نیز در قالب اماره مجرمیت وجود دارد که اعمال آن باید به صورت استثنایی و تنها در موارد ضرورت اعمال شود و با رعایت همه اصول دادرسی عادلانه همراه باشد.

واژگان کلیدی: اصل برائت کیفری، دادرسی عادلانه، حقوق و اقتصاد، تحلیل اقتصادی حقوق.



مقدمه

اصل برائت کیفری در تعریف ساده بدین معنی است که هیچ کس مجرم نیست مگر بعد از صدور حکم بر مجرمیت در دادگاه صالح توسط مقام قضایی و معادل انگلیسی آن در متون حقوقی عبارت *presumption of innocence* به معنای فرض بر بی‌گناهی می‌باشد (آقایی جنت‌مکان، ۱۴۰۰) که این تعبیر به محتوا و مفهوم اصل برائت کیفری نزدیکتر است و موجب می‌گردد که این مفهوم با اصل برائت فقهی که ساقط کننده تکلیف در تردید است، خلط نگردد (قربانی و موحدی، ۱۳۹۱).

اصل برائت کیفری از این حیث اهمیت دارد که در حوزه امور کیفری، قصد کیفر و مجازات فرد مرتکب وجود دارد و با فراهم کردن تمام مقدمات لازم در نهایت واکنش جامعه نسبت به رفتار ارتكابی فرد، وجه کیفری و مجازات دارد. اشکال مختلف مجازات از جمله جزای نقدی، شلاق، تبعید، محرومیت از حقوق اجتماعی، حبس، قصاص و اعدام، در یک وجه مشترک هستند و آن هم این است که آزادی‌های شخص، محدود یا سلب می‌گردد و از آنجایی که در این واکنش، حساس‌ترین وجه یک انسان یعنی جان، حیثیت، حرمت، کرامت و آزادی‌های فرد که به صورت الهی و فطری به او اعطا شده است، در معرض محدودیت و سلب قرار می‌گیرد، لذا ضروری است که در نهایت احتیاط عمل گردد.

طبق قاعده عقلی دفع ضرر احتمالی واجب است و از آنجایی که کوچکترین اشتباه در روند دادرسی در مورد فرد مورد اتهام، می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری به بار بیاورد لذا برای دفع این اشتباه خطرناک احتمالی باید شدیدترین احتیاط ممکن صورت گیرد و اصل برائت کیفری زاینده این شدیدترین احتیاط ممکن است.

نکته قابل توجه این است که محل جریان اصل برائت کیفری صرفاً منحصر به فردی نیست که در عالم واقع بی‌گناه است، بلکه در واقع منتفع اصلی آن شخص مجرمی است که در عالم واقع مجرم است، به عبارتی در عالم ثبوت مجرم است ولیکن هنوز مجرمیتش به اثبات نرسیده است. اصل برائت کیفری مبین این است که با چنین فرد مجرمی باید در فرایند دادرسی و قبل از صدور حکم به مثابه بی‌گناه رفتار شود.

اصل برائت کیفری از نظر مخاطب عام است و این تکلیف را بر عموم بار می‌کند، بدین معنی که نه تنها شهروندان عادی غیر مرتبط با پرونده از جمله رسانه‌ها و خبرنگاران در تمامی رفتارها و نظرات خود نسبت به متهم باید فرض را بر بی‌گناهی قرار دهند و نه تنها شاکی پرونده که خود متضرر از جرم است و در خلوت وجدانی خود یقین دارد که این فرد مجرم است، باید در روند دادرسی اصل برائت را رعایت کند، که حتی بازپرس و قاضی پرونده هم باید نسبت به اصل برائت کیفری تمکین کند و همان مقام قضایی که خود صلاحیت دارد که در نهایت حکم بر مجرمیت صادر نماید، باید در تمام مدت با فرض بی‌گناهی عمل کند و اصل برائت کیفری را رعایت نماید و در واقع مخاطب اصلی رعایت اصل برائت همان مقام قضایی است که با توجه به قدرت و اختیارات فراوانی که به موجب قانون دارد، با استفاده از ظرفیت‌های اصل برائت کیفری بتوان توازن و تعادلی را نسبت به این قدرت اعمال کرد و بدینوسیله احتمال سوء استفاده از قدرت را در فرایند دادرسی کاهش داد.

لذا اصل برائت بدین معناست که تمامی محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها نسبت به متهم قبل از محکومیت قطعی، منع می‌گردد مگر در شرایط خاصی که به آن پرداخته خواهد شد. نکته حائز اهمیت این است که اصل برائت کیفری در تمام مراحل دادرسی باید رعایت گردد (طه و اشرفی، ۱۳۹۰).

با توجه به این تعریف از اصل برائت کیفری، در یک مقایسه میان رشته‌ای، می‌توان تئوری سزار لومبروزو ایتالیایی که در جرم‌شناسی بر اساس معیارهای ریخت‌شناسی و قیافه‌شناسی عنوان مجرم مادرزاد را مطرح کرده بود، مورد اشکال قرار داد چراکه صرفاً بر اساس معیارهای ظاهری ریخت انسان برای مثال از شکل آرواره‌های فرد، شخصی را مجرم می‌پنداشت. بدیهی است که در پیش فرض‌های چنین نظریه‌ای اصل برائت کیفری و فرض بر بی‌گناهی، محلی از اعتبار ندارد و لذا این نظریه با دقت علمی نمی‌تواند قابل پذیرش قرار گیرد (وجدانی‌فخر، ۱۴۰۱).

۱- ادله اثباتی اصل برائت کیفری

3

از باب ادله فقهی می‌توان از جمع اصل استصحاب و قاعده (البینه علی المدعی) اصل برائت کیفری را اثبات کرد چراکه حالت بی‌گناهی فرد را به عنوان سابقه یقینی می‌توان استصحاب کرد و اگر ادعای ارتکاب جرمی مطرح شود، باید دیگری برای آن دلیل ارائه نماید و اگر چنین دلیلی ارائه و یا احراز نشد، همان حالت بی‌گناهی باقی می‌ماند و لذا محدودیتی را نمی‌توان بر فرد تحمیل نمود و این مضمون منطبق با مفاد اصل برائت کیفری است.

علاوه بر این فرمایش امیرالمومنین (انی لا آخذ علی التهمه و انی لا اعاقب علی الظن) (محمدی زاده کرمانی نژاد، ۱۳۸۶) دلالت بر این دارد که در زمان حدوث ظن که در سطحی پایین‌تر از یقین است، نمی‌توان فردی را مورد عقوبت قرار داد. لذا مستفاد از این گزاره تنها راه عقوبت، حصول یقین است که نیاز به اثبات دارد و تا امر به صورت یقین‌آور به اثبات نرسیده باشد، عقوبت آن مجاز نیست.

مضافاً این که پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند که (ان الامام ان یخطئ فی العفو خیر من ان یخطئ فی العقوبه) لذا خطای قاضی و یا حاکم در عفو گناهکار نسبت به خطای او در مجازات بی‌گناه ترجیح دارد که در دکتین حقوقی از آن به قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در کیفر (آقایی جنت‌مکان، ۱۴۰۰) تعبیر می‌شود. لفظ (خیر) در گزاره مذکور به معنای انتخاب یکی از دو امر پسندیده نیست بلکه با تدقیق در ادبیات فقهی، موضوع اول مورد حکم قرار می‌گیرد و موضوع دوم نفی می‌گردد.

در بررسی تطبیقی قاعده^۱ Blackstone ratio به عنوان یک اصل شناخته شده عدالت کیفری در حقوق بین‌الملل کیفری محتوایی نزدیک به فرمایش پیامبر را دارد که دلالت بر این دارد که رهایی و فرار ده فرد مجرم از تحمل مجازات بهتر از اعمال مجازات ناروا بر یک فرد بی‌گناه است. تعبیر دیگری هم برای دلالت بر این مفهوم وجود دارند. برای مثال اصل *in dubio pro*

^۱ It is better that ten guilty persons escape than that one innocent suffer



reO که ترجمه تحت‌اللفظی این عبارت لاتین این است که (در شک به نفع متهم عمل شود)، در نظام حقوقی رومی ژرمنی مصطلح است و یا قاعده rule of lenity که یک اصل تفسیری در نظام حقوقی کامنلا است که مفهوم هر دو اصل به معنای (ادرؤوا الحدود بالشبهات) می‌باشند که بر اساس آن در زمان شک موضوعی یا ابهام حکمی، به نفع متهم تفسیر صورت می‌گیرد و حکم داده می‌شود و مجازات متهم الزاماً نیاز به دلیل قطعی دارد (Hulicki and Reid. 2024) و (Hopwood. 2020). علاوه بر این در دکتترین حقوقی بین دو اصطلاح حقوقی false positive verdict و false negative verdict تفاوت قائل شده‌اند، با این مفهوم که اگر قرار است رای اصداری نادرست و اشتباه باشد، این رای به ناچار نادرست صادره می‌تواند یک روح مثبت داشته باشد.

۲- مستندات قانونی اصل برائت کیفری

مستندات قانونی اصل برائت کیفری در دو بخش منابع داخلی و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- منابع داخلی

4

بارزترین مستند قانونی در منابع داخلی، اصل ۳۷ قانون اساسی است که بر اساس آن اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

در قوانین عادی نیز صریح‌ترین حکم در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد که مقرر کرده است اصل برائت است.

در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر شده است در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. لذا همه اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند ملزم به رعایت حقوق شهروندی هستند و برای متخلفان هم مجازات تعیین شده است که به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

در بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر شده است که اصل بر برائت است ولیکن عبارت قانونگذار خالی از اشکال نیست. در بند مذکور از این ماده واحده قانونی مقرر شده است:

محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رای مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

² positive



اشکال وارد بر چنین حکمی این است که با توجه به الفاظ و سیاق عبارات قانونگذار در این بند که در مورد جرم و اثبات جرم می‌باشد، برداشت می‌شود که امر از حوزه دادرسی مدنی خارج است و این مقرر به حوزه امور کیفری ارتباط دارد. لذا با توجه به حاکمیت مطلق اصل قانونی بودن جرم و مجازات در نظام حقوقی ایران، استناد به منابع فقهی برای اعمال مجازات از نظر ماهوی محلی از اعتبار ندارد. ولیکن ممکن است منابع فقهی در روند دادرسی به جرمی که به صورت مشخص در قانون جرم-انگاری شده است، در برخی امور شکلی مورد استفاده قرار گیرند.

شایان ذکر است که در دکتترین حقوقی نظریات مختلفی در مورد این موضوع مطرح است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵):

الف) این حکم قانونگذار مطلقاً در مورد امور کیفری نیست و محل اعتبار آن صرفاً در دادرسی مدنی و دعاوی حقوقی است.

ب) این حکم در امور ماهوی دادرسی کیفری جریان ندارد و تنها به موارد شکلی دادرسی کیفری اختصاص دارد.

ج) این حکم شامل امور ماهوی دادرسی کیفری هم می‌باشد. لذا در تعیین جرم و مجازات بر اساس منابع فقهی می‌توان عمل کرد.

5

در همین راستا ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است، طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود. لذا جواز رجوع به منابع فقهی در حدود غیرمصرح در قانون داده شده است. از جمله حدودی که در کتاب‌های فقهی بیان شده ولیکن در قانون مجازات اسلامی تصریح نشده است حد جادوگری، ادعای پیامبری و ارتداد است. لذا با قبول این ماده و جمع آن با مدلول حکم قانونگذار در قانون احترام به آزادی‌های مشروع (منابع فقهی معتبر)، تفسیر مضیق آن مبین اعمال این حکم صرفاً در مورد حدود شرعی است و نمی‌توان آن را تفسیر موسع نمود. هرچند همین مفهوم ناشی از تفسیر مضیق هم با دقت حقوقی قابل انتقاد است زیرا:

اولاً این موضوع با اصل ۳۶ قانون اساسی مغایرت دارد که مقرر داشته است که حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. مفاد ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی به عنوان یک قانون عادی به هیچ وجه نمی‌تواند با اصول قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

ثانیاً با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان و قاعده فقهی درأ در تعارض است.

ثالثاً بین فقها در خصوص این موضوعات اختلاف نظر وجود دارد و به راحتی نمی‌توان تشخیص فقهی را بر دیگری برتری داد و انتخاب نظر یکی بر دیگری بدون دلیل، ترجیح بلامرجح و لذا باطل است.

رابعاً واگذار کردن این امر به قاضی بدون تصریح قانونی، بستر رفتار سلیقه‌ای و تصمیمات خارج از عدالت را فراهم می‌کند.

خامساً عدم احصای این موارد در قانون، می‌تواند منجر به اختلاف نظر و صدور آرای متعارض شود.

نظریه دوم هم به دلیل صراحت ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته است (دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد) و جمع آن با مفاد ماده ۱ همین قانون که تصریح دارد که (آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که وضع می‌شود) لذا امور شکلی دادرسی کیفری باید در قالب قانون به معنای خاص وضع شده باشد، بنابراین سرایت آن به امور شکلی هم با دقت حقوقی منتفی است و لذا به نظر می‌رسد بهترین برداشت همان نظریه اول باشد که استناد به منابع فقهی تنها در امور دادرسی مدنی اعتبار دارد و در صورت نبودن قانون در امور کیفری باید با لحاظ اصل تفسیر مضیق به نفع متهم از ارجاع به منابع فقهی احتراز نمود.

۲-۲- اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی اصل برائت کیفری در بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶۶ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی ICC (مظاہری تهرانی، ۱۴۰۲) و همچنین در اسناد بین‌المللی دیگری (طه و اشرفی، ۱۳۹۰) که در جدول ۱ آمده‌اند، مطرح شده است اما از جهت اهمیت تنها سه سند بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اساسنامه رم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

6

جدول ۱- اسناد بین‌المللی واجد اصل برائت کیفری

کنوانسیون حقوق کودک
کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر
منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا
منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها
اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق
اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا

در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به این موضوع تصریح شده و اصل برائت کیفری به عنوان یک حق (right) مطرح شده است (هر شخصی متهم به جرمی کیفری، تا زمان احراز و اثبات جرم در برابر قانون، در محکمه‌ای علنی که تمامی حقوق وی در دفاع از خود تضمین شده باشد، حق دارد که بی‌گناه تلقی شود^۳).

مضافاً این که ذیل ماده مقرر کرده است که متهم باید تمامی تضمینات لازم برای دفاع را داشته باشد. لذا اگر تمام تضمینات دفاع وجود نداشت آن رای مخدوش است و آن محکومیت و مجازات معتبر شناخته نمی‌شود و قانونی نیست.

³ Everyone charged with a penal offence has the right to be presumed innocent until proved guilty according to law in a public trial at which he has had all the guarantees necessary for his defence.

ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم موید همین مضمون است و از آن به عنوان یک حق نام برده است. اما مفاد این مواد در این دو سند برای پوشش همه جنبه‌های اصل برائت کیفری کامل نیست.

با توجه به تاریخ تصویب این اسناد که در جدول ۲ آمده است، می‌توان سیر تطوری اصل برائت کیفری را که از نظر ملاحظه تمام شئون اصل برائت کیفری در اساسنامه رم به تکامل رسیده است، مشاهده نمود.

جدول ۲- تاریخ تصویب سه سند بین‌المللی

تاریخ تصویب	سند بین‌المللی
۱۹۴۸	اعلامیه جهانی حقوق بشر
۱۹۶۶	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
۱۹۹۸	اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی

7

ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سه بند به این موضوع پرداخته است. در بند اول لزوم رعایت اصل برائت کیفری را تصریح کرده است. در بند دوم بار اثبات اتهام را مطرح کرده است. در بند سوم تعبیر فراتر از شک معقول^۴ (بدون شک معقول) را عنوان کرده است (آقایی جنت‌مکان، ۱۴۰۰). لذا مستفاد از ماده ۶۶ اساسنامه رم می‌توان بیان داشت که برای به رسمیت شناختن کامل اصل برائت کیفری باید به ۳ جنبه آن دقت داشت:

1- بار اثبات اتهام

2- کیفیت اثبات جرم

3- رفتار مقامات

الف- بار اثبات اتهام^۵

بر اساس ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بار اثبات اتهام بر عهده دادستان می‌باشد و متهم تکلیفی در اثبات عدم ارتکاب جرم ندارد (آقایی جنت‌مکان، ۱۴۰۰). بار اثبات شامل بار تولید^۶ و بار اقناع^۷ می‌شود بدین معنی که هم پیگیری، فراهم کردن و ارائه دادن اسناد و مدارک را شامل می‌شود و نمی‌توان اثبات بی‌گناهی را بر عهده متهم نهاد (حق بر سکوت) و هم این که مدارک ابرازی دادستان باید به قدری شفاف، متقاعد کننده، متقن و کافی باشد که خود به تنهایی اثبات کننده باشد و بار اقناع به صورتی باشد که لازم نباشد متهم را به کاری اجبار کرد که تایید کننده آنها باشد.

⁴ beyond reasonable doubt

⁵ burden of proof

⁶ burden of production

⁷ burden of persuasion



در تفسیر عمومی^۸ شماره ۱۳ کمیته حقوق بشر در مورد ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم از باب رفع ابهام به سبب اجمال در متن این ماده که در مورد بار اثبات تعیین تکلیف نکرده است، آن را بر عهده دادستان دانسته و متهم را برخوردار از benefit of doubt (مزیت شک) عنوان کرده است.

benefit of doubt مزیتی برای شخص متهم است که بر اساس آن در شرایطی که شبهاتی هرچند در سطح معقول^۹ در موردش مطرح است؛ بی‌گناه شناخته می‌شود حتی اگر راساً شواهد کافی برای اثبات کامل بی‌گناهی خودش نداشته باشد. لذا از لوازم اصل برائت کیفری منع دگرگونی بار اثبات اتهام است.

ب- کیفیت اثبات جرم^{۱۱}

اثبات جرم در روند دادرسی کیفری باید یک استاندارد داشته باشد و آن استاندارد در نظام حقوقی کاملاً فراتر از شک معقول^۲ بودن (آقایی جنت‌مکان، ۱۴۰۰) است که ریشه‌اش همان قاعده Blackstone's ratio است و این فراتر از شک معقول بودن یعنی این که باید شواهد و ادله کافی^۳ علیه متهم موجود باشد و نیز تعارضی بین ادله وجود نداشته باشد. اگر ادله کافی نباشد و یا تعارضی وجود داشته باشد به نفع متهم تفسیر می‌گردد. وجود ادله‌ای که صرفاً شک معقولی ایجاد کنند برای اثبات جرم کافی نیست. باید فراتر از شک معقول و به صورت یقینی اثبات کننده جرم در دادگاه باشد. به عبارت دیگر هیچ جرمی مسلم نیست مگر این که اتهام در سطحی فراتر از شک معقول به اثبات رسد.

ج- رفتار مقامات

همه مقامات دولتی باید با متهم به عنوان بی‌گناه رفتار کنند و این صرفاً مشمول مقام قضایی نیست. برای مثال کارمندان اداره ثبت در زمان بازداشت وثیقه و پرسنل بازداشتگاه می‌توانند مصادیق آن باشند. مقامات باید از فرض تقصیر متهم و اعلام آن قبل از صدور حکم خودداری کنند، چراکه می‌تواند بی‌طرفی و عادلانه بودن دادرسی را مخدوش کند.

در دستورالعمل ۳۴۳/۲۰۱۶ اتحادیه اروپا^۴ که مربوط به منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپاست در مورد رفتار مقامات مقرر شده است که اظهارات عمومی مقامات دولتی یا تصمیمات قضایی نباید منعکس کننده این عقیده باشد که آن شخص مجرم است (مثلاً در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی) ولیکن این امر، مانع اقدامات دادستان و تصمیمات مراجع صالح با ماهیت شکلی از قبیل بازداشت موقت نمی‌شود.

⁸ general comment

⁹ reasonable doubt

^{۱۰} شک غیر معقول که اصلاً مسموع نیست.

¹ proof of guilt

1

¹ beyond reasonable doubt

2

¹ sufficient evidence

3

¹ Directive (EU) 2016/343 – on strengthening certain aspects of the presumption of innocence and of the right to be present at trial

نکته حائز اهمیت این که بازداشت موقت در حین دادرسی لزوماً نیاز به دلیل قطعی ندارد و با بروز شک هم می‌تواند صورت گیرد ولیکن باید با رعایت دو شرط همراه باشد:

- 1- بر اساس شواهد کافی باشد.
- 2- نباید به گونه‌ای مطرح و اقدام شود که متهم به عنوان مجرم شناخته شود.

۳- توسعه اصل برائت کیفری در به‌کارگیری الفاظ

در دکترین حقوقی این سوال مطرح بوده است که با توجه به حاکمیت اصل برائت کیفری در تمام مراحل دادرسی و لزوم رعایت کرامت انسانی طرفین یک دعوا و مرافعه، آیا در زمان دادرسی می‌توان برای شخص قربانی^۵ از جرم، لفظ قربانی را به کار برد؟ در جواب به این سوال اختلاف نظرهایی وجود دارد و دو رویکرد استدلالی مطرح است:

الف) برخی معتقدند که به کار بردن لفظ قربانی، اولاً و بالذات صریحاً وقوع جرم را بیان می‌دارد و آن را قطعی می‌داند، ثانیاً و بالعرض تلویحاً وقوع آن را به متهم نسبت می‌دهد و آن را محرز می‌داند و ممکن است به طور غیر مستقیم بر احساسات هیئت منصفه، قضات، وکلا و بقیه مقامات تاثیر گذارد و آنها را دچار پیش‌داوری کند و ایجاد ناخودآگاه حس همدردی آنها با قربانی به نوعی روند دادرسی را متاثر نماید و لذا نقض حقوق متهم محسوب می‌شود و به جای آن بهتر است از الفاظ (قربانی ادعایی) یا (شاکی) استفاده شود.

ب) اما برخی با این نظر مخالف هستند و معتقدند قربانی یک وضعیت حقوقی است و سمت قانونی فرد را در دادرسی تعریف می‌کند و صرفاً مبین همین موضوع است. در واقع اثبات شی نفی ماعدا نمی‌کند و لذا این بیان که شخص شاکی، قربانی از جرم است لزوماً به معنای مجرم بودن شخص متهم نیست و اتهام او از مسیر قانونی خود باید بررسی شود.

لذا اگر استفاده از لفظ قربانی منع شود، تلویحاً بدین معنی است که در نظر مرجع قضایی، قربانی واقعاً یک قربانی نیست و لذا نسبت به حقوق قربانی اهمال می‌شود و حق بر رفتار عادلانه همراه با کرامت و احترام نسبت به قربانی تزییع می‌گردد و حق مشارکت^۶ قربانی در فرآیند دادرسی نقض می‌شود. همچنین با این رفتار قربانی دچار بزه‌دیدگی ثانویه^۷ می‌گردد که در مرحله اول از عمل مجرمانه آسیب می‌بیند و مرتبه دیگر از این برخورد مقامات دچار آسیب ثانویه می‌شود.

این موضوع در پرونده‌ای به نام Talkington^۸ مورد اختلاف قرار گرفت که در آن تجاوز جنسی دو مرد به یک زن مورد ادعا بود که دادگاه بدوی یکی از متهمین را محکوم نمود ولیکن در متن رای خود از تعبیر قربانی^۹ برای شاکی استفاده کرده بود که به این موضوع اعتراض شد و دادگاه تجدیدنظر این اعتراض را وارد دانست و استدلال کرده بود که در زمانی که همه طرفین به آمیزش جنسی اقرار دارند ولیکن وجود رضایت از طرف شاکی انکار می‌شود و متهمین مدعی‌اند که زن رضایت خود را جهت

^۱ victim 5
^۱ right to participation 6
^۱ secondary victimisation 7
^۱ Talkington, 682 S.W.2d at 675. 8
^۱ hereinafter called victim 9

ارتکاب این عمل اعلام کرده است، در چنین وضعیتی موضوع اصلی پرونده این است که آیا شاکی رضایت داشته است یا خیر و این موضوع است که باید بررسی شود و اگر رضایت داده باشد دیگر قربانی محسوب نمی‌شود و استفاده از تعبیر قربانی برای او قبل از اثبات آن، سنگینی دادن به وزن ادله است و لذا به عنوان یک ایراد نقض کننده رای شناخته شد و رای اصداری نقض و پرونده جهت اعاده دادرسی به مرجع صالح ارجاع شد.

هر چند چنین سوابقی وجود دارد ولیکن در حال حاضر اجماع بر این است که استفاده از لفظ قربانی محل اشکال نیست و فرض بر بزه‌دیدگی^۲ تجزئی از حقوق قربانی محسوب می‌شود و همان طور که عدم رعایت فرض بر بی‌گناهی نسبت به متهم آسیبزا می‌باشد، به همان میزان عدم رعایت فرض بر بزه‌دیدگی هم تاثیر مشابهی بر قربانی دارد و حقوق قربانی از جرم هم باید به همان اندازه در روند دادرسی محترم شمره شود.

۴- تحلیل اقتصادی حقوق

10

در فضای گرایش میان رشته‌ای حقوق و اقتصاد^۱ رویکرد اقتصادی به حقوق از تئوری‌های اقتصاد خرد (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲) و فرض انسان اقتصادی استفاده می‌شود (نعیمی، ۱۴۰۰). در واقع در تحلیل اقتصادی حقوق از ابزارهای تحلیلی اقتصاد و نگاه اقتصادی به موضوعات حقوقی برای دستیابی به راهکارهای کارآمدتر استفاده می‌شود که یکی از این ابزارهای اقتصادی نظریه انتخاب عقلانی است که بر طبق آن انسان در انتخاب‌های خود بر اساس ترجیحات شخصی‌اش همواره به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت خود می‌باشد و در مورد انتخاب بین گزینه‌های مختلف، تحلیل هزینه فایده می‌کند و در نهایت یک انتخاب عقلانی صورت می‌دهد که می‌توان برای آن تابع سود و زیان تعریف کرد.

برای اعمال و کاربرد این نظریه، چند پیش فرض وجود دارد از جمله اینکه انسان‌ها دارای قدرت انتخاب آزادانه در رفتارهای خود هستند، ترجیحات ذهنی خود را رتبه‌بندی می‌کنند و بین ترجیحاتشان اولویت‌بندی وجود دارد، انتخاب‌ها تصادفی نیستند و به صورت هدفمند صورت می‌گیرند و افراد همواره به دنبال بیشینه کردن مطلوبیت خود هستند (کوتر و یولن، ۱۳۹۰). به عبارتی در تحلیل اقتصادی حقوق که یک خروجی حقوقی دارد، از ابزارها، فرض‌ها و مفاهیم اقتصادی برای کارآمدتر کردن قواعد حقوقی استفاده می‌شود. در ساده‌ترین حالت، برای پدیده‌های حقوقی تابع سود و زیان تعریف می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برای مثال در مورد کالایی به نام اصل برائت کیفری، می‌توان تابع سود و زیانی به صورت زیر در نظر گرفت که سود انتظاری حاصل از اجرای اصل برائت از تفاضل منافع احتمالی از هزینه‌های احتمالی به دست می‌آید.

² presumption of victimhood 0
² Law and Economics 1

$$E(\text{PoI}) = p \cdot n - (1-p)m$$

$$n, m, p > 0$$

متغیرهای این تابع به صورت زیر تعریف شده‌اند.

▶ $E(\text{PoI})$: سود انتظاری اجرای اصل برائت

▶ p : احتمال بی‌گناهی

▶ n : منفعت ناشی از اجرای اصل برائت

▶ m : هزینه ناشی از ارتکاب جرم

چنانچه در این عبارت $E(\text{PoI})$ مثبت باشد به معنای آن است که اجرای اصل برائت کیفری سودآور است و توصیه تحلیل اقتصادی حقوق این است که اصل برائت کیفری رعایت گردد و چنانچه منفی باشد اجرای اصل برائت کیفری موجب ضرر می‌شود و لذا رعایت آن توصیه نمی‌گردد.

با توجه به آن که احتمال P عددی بین صفر و یک است، هرچقدر به سمت یک میل پیدا کند، قسمت مثبت عبارت بزرگتر می‌شود و متعاقباً قسمت منفی عبارت به صفر میل می‌کند، لذا اگر در شرایطی، احتمال به سمت یک میل کند در این صورت به سبب مثبت شدن کل عبارت، اصل برائت کیفری در جامعه به عنوان یک کل باید رعایت گردد.

ظاهر بر این است که در حالت معمول و سیر عادی امور این احتمال بی‌گناهی P بسیار بالا و نزدیک به یک است و لذا کل عبارت مثبت خواهد شد چراکه در حالت معمول اصل اباحه حاکم است و همه رفتارها مباح هستند مگر موارد معدودی که شارع یا قانونگذار منع کرده است و درصد کثرت رفتارهای مباح به رفتارهای ممنوع عدد بالایی است. همچنین به موجب اصل عدم، اصل بر عدم رفتار مجرمانه توسط افراد است و اگر رفتاری هم صورت گیرد اصل صحت جاری است که قول و فعل افراد در جامعه مسلمین حمل بر صحت می‌شود و مضافاً این که لزوم رعایت قاعده درأ، قاعده جب، نهاد توبه، قاعده عقلی قبح عقاب بلابیان و در قواعد حقوقی اصل تفسیر به نفع متهم، اصل عطف بمسابق نشدن قوانین کیفری و اصل قانونی بودن جرم و مجازات همگی موجب افزایش این احتمال می‌گردند و علاوه بر این خارج کردن محجورین از دایره استیفای حقوق و جایگزینی آنها توسط شخصی عاقل، مجموعه‌ای از افراد آسیب‌پذیر در برابر جرم را خارج می‌کند و احتمال وقوع آن را به صورت سیستماتیک کاهش می‌دهد و لذا با لحاظ نمودن جمع این دلایل عدد مربوط به احتمال P افزایش می‌یابد و در حالت معمول توصیه اقتصاد این است که در جامعه به عنوان یک کل، اصل برائت کیفری رعایت گردد.

۵- اماره مجرمیت

در مواردی خاص که وجود قرائنی ظن‌آور ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی (صالحی و دیگران، ۱۳۹۷) تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است. در جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، جرایم و

جنایات جنگی علیه بشریت و ثروت‌ها و پولشویی‌هایی که از طریق نامشروع و به واسطه جرائم سازمان‌یافته تحصیل می‌گردد و یا در جرائمی که پیچیدگی اثبات دارند، سیاست جنایی امنیت مدار اماره مجرمیت را بر اصل برائت کیفری ترجیح می‌دهد (آقایی جنت‌مکان، ۱۴۰۰).

تحلیل اقتصادی حقوق هم که در حالت معمول و سیر عادی امور اصل برائت کیفری را توصیه می‌کند، در جرائمی که امنیت عمومی را به خطر می‌اندازند، اماره مجرمیت را جایگزین می‌کند زیرا با آن که عدد مربوط به احتمال P بالاست ولیکن در چنین وضعیتی ارتکاب جرم می‌تواند تمام افراد جامعه را متضرر کند و لذا چون میزان آن ضرر وارد شده بر جان یا امنیت مردم در تعداد افراد جامعه ضرب می‌شود، هزینه ناشی از ارتکاب جرم m برای جامعه به عنوان یک کل، بسیار بالا می‌رود و اثر افزایشی m بر اثر P غلبه می‌کند و در نهایت کل عبارت مربوط به سود انتظاری اجرای اصل برائت $E(PoI)$ منفی می‌گردد و لذا رعایت اصل برائت کیفری زیان‌رسان می‌شود و توصیه اقتصاد اعمال اماره مجرمیت در چنین مواردی است.

مثال بارز آن ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است که مقرر می‌کند هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (498) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است. لذا فرض بر این است که فرد از هدف گروه مبنی بر اخلال در امنیت کشور مطلع است مگر این که بتواند عدم اطلاع خود را اثبات کند.

اما نکته حائز اهمیت این است که اماره مجرمیت باید به قدر متیقن جاری شود و تنها یکی از سه وجه مذکور در اصل برائت کیفری را بر می‌دارد و آن هم دگرگونی بار اثبات اتهام است ولیکن رعایت بقیه وجوه اصل برائت کیفری از جمله رفتار مقامات با متهم و رعایت کرامت شخص و عدم اجبار به اقرار، حق بر سکوت و منع شکنجه همچنان الزامی است. علاوه بر این اماره مجرمیت از باب استثناء بودن نیاز به تصریح در قانون دارد و باید به صورت صریح و روشن و بدون ابهام ذکر شود و با رعایت همه اصول دادرسی عادلانه همراه باشد. اصل برائت یک اصل پیشگیرانه است و در طرف مقابل اماره مجرمیت در حالت کلی جرم‌زا و تحریک‌کننده به جرم است و لذا باید به صورت استثنایی و تنها در موارد ضرورت اعمال شود.

نتیجه‌گیری

اصل برائت کیفری یا فرض بر بی‌گناهی یکی از اصول دادرسی عادلانه است که بسیاری از اصول دیگر دادرسی عادلانه ریشه در آن دارند و به موجب آن هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح توسط مقام قضایی با رعایت تمامی شرایط دادرسی عادلانه و وجود تضمینات کافی برای متهم جهت دفاع از خود ثابت گردد و تمامی محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها نسبت به متهم قبل از محکومیت قطعی، منع می‌گردد. این اصل نقش مهمی در حفظ کرامت انسانی، پیشگیری از محکومیت‌های ناعادلانه و تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضایی ایفا می‌کند. از آنجایی که کوچکترین اشتباه در روند دادرسی در مورد فرد مورد اتهام، می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری به بار بیاورد لذا اصل برائت کیفری باید در



تمام مراحل دادرسی رعایت گردد و همه مقامات دولتی باید با متهم به عنوان بی‌گناه رفتار کنند و این صرفاً مشمول مقام قضایی نیست. مستندات قانونی اصل برائت کیفری هم در منابع داخلی و هم در اسناد بین‌المللی وجود دارد. در منابع داخلی قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مستند اصل برائت کیفری هستند. ادله اثباتی آن در شرع مقدس و در منابع فقهی هم وجود دارد. در اسناد بین‌المللی به عنوان یک اصل شناخته شده عدالت کیفری در حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشر شناخته می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی از مهم‌ترین منابع حقوق بین‌الملل در موضوع اصل برائت کیفری محسوب می‌شوند که آن را به عنوان یک حق شناسایی کرده‌اند که بر اساس آن متهم باید تمامی تضمینات لازم برای دفاع را داشته باشد، در غیر این صورت دادرسی و رای اصداری آن مخدوش است و آن محکومیت و مجازات معتبر شناخته نمی‌شود و قانونی نیست. مهمترین اثر اصل برائت کیفری در مورد بار اثبات اتهام است که به موجب آن متهم تکلیفی در اثبات عدم ارتکاب جرم ندارد و بار اثبات اتهام بر عهده دادستان می‌باشد. تحلیل اقتصادی حقوق در موضوع اصل برائت کیفری قابل اعمال است و با استفاده از ابزارهای تحلیلی اقتصاد و نگاه اقتصادی به موضوعات حقوقی، می‌توان برای اصل برائت کیفری تابع سود و زیان تعریف کرد و با بررسی پارامترهای موثر در آن، توصیه رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق این است که اصل برائت کیفری در حالت معمول و سیر عادی امور در جامعه به عنوان یک کل، باید رعایت گردد تا جامعه از آن منتفع گردد و عدم رعایت آن موجب اضرار جامعه است. در مواردی خاصی اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است که بر اساس تحلیل اقتصادی حقوق رعایت اصل برائت کیفری در موارد خاصی مانند جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی و جرایم و جنایات جنگی زیان‌رسان می‌شود و توصیه اقتصاد اعمال اماره مجرمیت در چنین مواردی است ولیکن باید به صورت استثنایی و تنها در موارد ضرورت اعمال شود و اماره مجرمیت الزاماً نیاز به تصریح در قانون دارد و باید با رعایت همه اصول دادرسی عادلانه همراه باشد.



منابع

منابع فارسی

آقای جنت‌مکان، حسین، ۱۴۰۰، **حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.

حاجی‌ده‌آبادی، احمد، حاکمیت یا عدم حاکمیت اصل ۱۶۷ ق.ا. در امور کیفری با نگاهی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، ۲۵۷-۲۸۸.

حبیبی درگاه، بهنام، ۱۳۹۰، **حقوق و اقتصاد (حقوق دادرسی مدنی)**، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه.

صالحی، سید مهدی، قریشی، سید مهدی و جوادی، فاطمه، **تبیین فقهی و حقوقی جریان اماره مجرمیت در بحث قسامه**، دوفصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره سی و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۲۹-۵۰.

طه، فریده و اشرافی، لیلیا، ۱۳۹۰، **دادرسی عادلانه**، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

قربانی، علی و موحدی، جعفر، **ماهیت برائت در فقه و حقوق**، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۹۱، ۶۱-۸۵.

کوثر، رابرت و یولن، تامس، ۱۳۹۰، **حقوق و اقتصاد**، ترجمه یداله دادگر و حامده اخوان هزاوه، چاپ پنجم، تهران، انتشارات نور علم.

محمدی زاده کرمانی نژاد، مجتبی، **اصل برائت در حقوق کیفری ایران**، فصلنامه حقوقی میزان، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ۶۹-۸۴.

مظاهری‌تهرانی، مسعود، **بررسی جایگاه اصل برائت در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، دوره چهاردهم، ۱۴۰۲.

نعیمی، سید مرتضی، ۱۴۰۰، **درآمدی به رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق**، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

وجدانی‌فخر، مهدیه، ۱۴۰۱، **بزه دیده شناسی آبی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

قوانین داخلی و بین‌المللی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳



یازدهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۰ دی ۱۴۰۳ - تهران

ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶

اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸

منابع انگلیسی

Hopwood, Shon. (2020). **Restoring the Historical Rule of Lenity as a Canon**. Georgetown Law Faculty Publications and Other Works. Vol. 95. No. 4. 918-951.

Hulicki, Maciej and Reid, Melanie. (2024). **The Rule of Lenity as a Disruptor**. Journal of Criminal Law and Criminology. Vol. 113. No. 4. 803-852.